

نمایشگاه هنر قاضی صحنه رأی مکتوب اوست

محمدرضا خسروی

قرار دهند تیرهایی که گاه به سمت آنان و گاه باصطلاح کمانه می‌کنند و راه آسمانها را در پیش می‌گیرند و بسیار شنیده‌ایم که زبانه‌های سرکشی که از دل سوخته‌ی بر می‌آیند جاهایی را سوزانده‌اند که برق خاطف را یارای سوزانیدن آن جاها نبوده است:

چراغی که پیره زنی برفروخت
بسی دیده باشی که شهری بسوخت
پریشانی خاطر دادخواه
بر اندازد از مملکت پادشاه
ستاننده داده آن کس خداست
که نتواند از پادشه دادخواست

پس سهل انگاری در مطالبه پرونده و لا قیدی در توجه به ظرایف گفت و گوها و لوایح طرفین و لایالی بودن در استدلال و استنتاج و نهایتاً صادر کردن رأی بدون توجه به مأموریت اصلی و اساسی خود که همانا کشف حق و رد آن به ذوی الحقوق و اجرای قانون و احیای عدالت و دادگستری است تبعات بسیاری در پی خواهد داشت که مشکل بتوان چیزی را با آن برابر دانست. راه رفتن بر لبه تیغ تیزی بی طرفی و متمایل نشدن به یمین و یسار و راست چشم دوختن به خط مستقیم قانون، هنر قاضی است و نمایشگاه هنر قاضی صحنه رأی مکتوب اوست که باید در برابر دیدگان مردم قرار گیرد. رأی دادگاه نه همان اعلام خشک و عبوس محکومیت مالی یا کیفری خواننده یا متهم است، رأی باید در عین حال به گونه‌ای جاندار و آشکار نماینده تلاش قاضی در کشف حقیقت یا اجرای قانون هم باشد.

در احکامی که قاضی به بیان روشن خواسته مدعی نمی‌پردازد و دفاع مدعی علیه را متضمن نیست و از بر شمردن مواد قانونی حاکم بر قضیه در آن خبری نیست، طبعاً دلنشین هم نتواند بود. پرونده طرح شده در محاکم حقوقی و مراجع جزایی نباید حتی الامکان شباهتی به بسته بندیهای فابریک کارخانه داشته باشد، پرونده باید باز باشد و این وصف باز بودن، باید بتواند از جریان دادرسی،

بسیاری از حقوقدانان کشور که مجله قضایوت را می‌خوانند در این امر متفق القول‌اند که هنوز آراء و قرارهای محاکم عدلیه و صاحب منصبان دادسرا تا رسیدن به مرزهای حسن قبول فاصله بسیاری را باید طی کنند تا بشود آنها را با صفت منسجم و مستحکم و مستدل و شیوا ستود، در این میان اگر چه کاستیهای صرف نگارشی و عیوب دستوری و لغزشهای ادبی، راست تهدیدگر شخصیت علمی امضاء کننده رأی به حساب می‌آید اما از آنجا که آشفته کاریهای نگارشی در نهایت ستمی است که در حق زبان و ادب فارسی اعمال می‌شود، باری به هر جهت می‌توان این ظلم را تا وصول تدریجی به حوزه‌های بلاغت تحمل کرد. اما عیوب محتوایی رأی و قرار که یکسره با حقوق مردم در ارتباط است از مقوله‌ای نیست که مسامحه و مساحله را برتابد چرا که حتی یک مورد اشتباه در رأی برابر است، با تضییع حق دادخواه و این صد البته که گناهی است غیر قابل بخشودن.

ناگفته نمی‌گذارم که من البته به دلیل عشق و ورزی به جهره پاک و سیمای تابناک زبان دری خود را از نخست در صف پاسداران حریم زبان قرار داده‌ام و مقاله‌های مسلسل نقد نگارشی آراء گواه چنین احساسی است و بی تردید بنا ندارم که تا هستم سنگر دفاع از ولایت زبان را ترک گویم اما واقعیت این است که عیوب محتوایی و قانونی و قضائی آراء، بسیار دل‌آزار تر از عیوب نگارشی آنهاست.

قضات دادگستری با آگاهی از این امر که تخلفات ادبی و نگارشی آنها قابل تعقیب در دادسرا و دادگاه انتظامی نیست و با آگاهی از این واقعیت که زبان فارسی به مثابه موقوفه عام المنفعه‌ای است که متولی ندارد و هیچ کس در هیچ زمانی آنان را به خاطر تخلف از بایسته‌های ادبی زبان و نادیده گرفتن آیین فصاحت و بلاغت تعقیب نخواهد کرد مخت‌زند که به توصیه‌های نگارشی توجه نکنند یا نکنند، اما اگر خدای نکرده همین ولنگاری و مسامحه کاری را به حوزه ماهوی رأی هم بکشاند آن گاه است که باید خود را آماج تیرهای ملامت

خود را به عرصه صفحات رأی هم بکشاند: شاکي چه گفته است که ما متهم را سزاوار عقاب و عتاب می‌دانیم و متهم چه دفاعی کرده است که در پیشگاه دادگاه قابل ترتیب اثر نبوده است و از طرفی، قانون در ما نحن فیه چه حکمی کرده است؟ اگر ارکان دادرسی در مرافعات و منازعات به همین گونه درست طراحی و پشت سر هم قرار گیرند و درست در منشور نهایی دادرسی یعنی رأی عرضه شوند، دیگر جایی برای حرف زدن پشت سر قاضی باقی نمی‌گذارد.

در طول یادداشت‌هایی که در باب نقد نگارشی آراء داشته‌ام با خوانندگان بسیاری برخورد کرده‌ام که شفاهی و کتبی کار مرا در پرداختن به مشکل و شمایل رأی، توجه به «نقش ایوان» تعبیر کرده‌اند. آنان متأسفانه در بیان ضعف پای بسته‌ها حکایت‌هایی داشته‌اند که به نظر می‌رسد در برخی موارد درست هم باشد. اکنون بر ماست که هم در بخش نگارشی که کار فرم و برون و شکل و صورت و قالب است دقت کنیم و هم در بخش محتوا که کار مضمون و درون و بطن و مطالب است تلاشی در خور داشته باشیم.

سرانجام از خواننده عزیز ستون نقد نگارشی رأی، آقای منصور ده نمکی وکیل دادگستری که این یادداشت بخصوص در پاسخگویی به نامه ایشان قلمی گردید سپاس دارد.